

انتفاضة مسجد الاقصي، آثار و پیامدهای آن بر اقتصاد اسرائیل

اسماعیل اقبال

چکیده

با گذشت پنج سال از وقوع انتفاضة مسجد الاقصي، همچنان این سؤال در محافل علمی و افکار عمومی مطرح است که این قیام چه دستاوردي در پی داشته است. درباره دستاوردهای انتفاضة بر جوانب مختلف سياسي، امنیتی و اقتصادی اسرائیل مقالاتی به رشته تحریر درآمده است، اما مقاله‌ای مستقل که آثار این قیام را بر اقتصاد اسرائیل مورد بحث و تحلیل قرار دهد، تاکنون ارائه نشده است. در این مقاله تلاش شده است تا ابتدا مراحل مختلف سیر تحول اقتصاد اسرائیل از زمان تأسیس تا آستانه انتفاضة مسجد الاقصي مورد بحث قرار گیرد. سپس در قسمت بعد با استفاده از آمار و ارقام معتبر سعی شده است تا مهمترین دستاوردهای این قیام در به چالش کشاندن اقتصاد اسرائیل مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: انتفاضة مسجد الاقصي، اقتصاد اسرائیل، روند صلح، حادثه ۱۱ سپتامبر، مهاجرت یهودیان

مقدمه

انتفاضة مسجد الاقصي و به چالش کشیده شدن اقتصاد اسرائیل، این روزها از مباحث مورد

بحث در محافل آکادمیک و علمی منطقه و بلکه جهان به شمار می‌آید. به‌رغم اینکه پیشرفت‌ها و رشد سریع اقتصادی اسرائیل چون شکل‌گیری نظام سیاسی این رژیم، مرهون کم‌کهای گسترده غرب بویژه امریکا بوده است، به هر حال آنچه این رژیم با کم‌کهای خارجی و قابلیت‌های داخلی خود در عرصه اقتصادی محقق ساخته است، عاملی مؤثر در استحکام و تقویت این رژیم بوده است. در سال ۲۰۰۰ میلادی اندکی قبل از وقوع انتفاضه مسجدا لاقصی اقتصاد اسرائیل به‌طور شگفت‌انگیزی رشد کرد.

در اینجا لازم به توضیح است که توجه اسرائیل به عامل اقتصاد برای تحقق دو هدف استراتژیک این رژیم یعنی دستیابی به اراضی بیشتر و تأمین نیروی انسانی، بسیار مورد توجه قرار گرفت. این نکته روشن است که تمامی دولتهایی که در چند دهه گذشته در اسرائیل به قدرت رسیده‌اند یکی از سیاست‌های اصلی خود را به جذب یهودیان از سراسر جهان و مهاجرت آنها به اراضی اشغالی فلسطین اختصاص دادند. با توجه به اینکه این سیاست با هدف برتری دموگرافیک جمعیت یهودی بر اعراب فلسطین آغاز شده بود، رهبران این رژیم از یک طرف ناگزیر به انتقال یهودیان از سراسر کشورهای جهان به اراضی اشغالی فلسطین بودند و از سوی دیگر به تصرف اراضی بیشتری برای سکني دادن این یهودیان نیاز داشتند. یکی از عوامل مهم که می‌توانست یهودیان کشورهای دیگر را به مهاجرت به این اراضی تشویق کند، رشد اقتصادی و رفاه و آسایش مادی بود که می‌توانست در این رژیم وجود داشته باشد. براین اساس بسیاری از یهودیان، بیشتر با

هدف بهبود وضع اقتصادي خود به اين اراضي مهاجرت کردند تا اينکه انگيزه هاي ايدئولوژيك يا وابستگيهاي ديني، عامل براي مهاجرت آنها به اراضي فلسطين به عنوان «ارض موعود» باشد.

يكي از عوامل مؤثر در تحقق هدفهاي ياد شده، استقرار امنيت و ثبات در اراضي اشغالي بود.؛ زيرا وجود امنيت و ثبات، هم به رشد اقتصادي اين رژيم كمك مي‌كرد و هم يهوديان را به مهاجرت به اين سرزمين تشويق مي‌كرد. هرنوع درگيري و خشونت در اين اراضي تهديدي براي امنيت و به تبع آن اقتصاد اين رژيم و در نهايت خودداري يهوديان جهان از مهاجرت به اين اراضي محسوب مي‌شد. قبل از وقوع انتفاضة مسجدالاقصي به دليل پيشرفت در مذاكرات صلح اعراب و اسرائيل كه امنيت بسيار مطلوبي را براي اسرائيل تأمين كرده بود، اقتصاد اسرائيل به رشد بسيار خوبي دست يافت. تمامي شاخصها، بيانگر اين بود كه با ادامه اين روند، اين رژيم در آينده به عنوان قدرتمندترين كشور اقتصادي منطقه با توجه به جمعيت كم آن، مطرح خواهد شد. با توجه به اين تحولات در نيمه نخست سال ٢٠٠٠ ميلادي، سخن گفتن از بحران اقتصادي اسرائيل، افسانه تلقي مي‌شد. حتي آنها كه رژيم صهيونيستي را به عنوان اسطوره اقتصادي به حساب مي‌آوردند بر اين باور بودند كه اين رژيم قادر است بدون هيچ بحران اقتصادي، جنگ را براي مدت طولاني ادامه دهد.

اما آنچه از سپتامبر سال ٢٠٠٠ در اراضي اشغالي با نام انتفاضة مسجدالاقصي به وقوع پيوست بر اين اسطوره شكستناپذير، خط بطلان

کشید. در واقع قیام فلسطینی‌ها تمامی تصورات و معادلات رهبران صهیونیست را بر هم زد. انتفاضه ثابت کرد که اقتصاد این رژیم در برابر قیام درازمدت، بسیار آسیب‌پذیر است. درخصوص آثار و پیامدهای انتفاضه بر اسرائیل، از جوانب گوناگون بحث شده است، اما آثار زیانبار این قیام بر اقتصاد اسرائیل بطور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. در این مقاله، حاضر تلاش شده است با استفاده از منابع موجود بویژه با مراجعه به مطبوعات و جراید رژیم صهیونیستی و با استناد به اعترافات رهبران رژیم صهیونیستی آثار و پیامدهای انتفاضه مسجدا لاقصی بر اقتصاد این رژیم در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ به عنوان نمونه مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

سؤالات تحقیق

- ۱- آیا پیشرفتهای و بهبود وضع اقتصادی اسرائیل در سیر طبیعی و با توجه به قابلیت‌های بومی صورت گرفته است یا بوسیله کمک‌های خارجی؟
- ۲- کاهش میانگین رشد اقتصادی اسرائیل پس از سپتامبر ۲۰۰۰ تا چه حد از انتفاضه مسجدا لاقصی متأثر است؟
- ۳- انتفاضه مسجدا لاقصی بر این ایده رهبران اسرائیل که این رژیم بدون بحران اقتصادی می‌تواند جنگ را برای مدت‌طولانی ادامه دهد تا چه حد تأثیر گذاشته است؟
- ۴- با استمرار انتفاضه، آینده اقتصاد اسرائیل چه خواهد شد؟ آیا می‌توان گفت که استمرار این روند به فروپاشی اقتصادی این رژیم منجر خواهد شد؟

با توجه به ارقام و آمار موجود می‌توان در خصوص تأثیر انتفاضة مسجدالاقصي بر اقتصاد اسرائیل این فرض را مطرح کرد که به رغم اینکه اقتصاد اسرائیل همواره از رشدی کیفی برخوردار بوده است، اما انتفاضة مسجدالاقصي برای اولین بار توانسته است آن را با رشد منفی روبه‌رو مواجه سازد و با استمرار این روند در صورت قطع کمک‌های خارجی، احتمال فروپاشی اقتصادی این رژیم بسیار زیاد است. به منظور پاسخ به سؤالات و اثبات فرضیه مورد نظر، ابتدا به بررسی سیر تحولات اقتصاد اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تا سال ۲۰۰۰ میلادی پیش از وقوع انتفاضة خواهیم پرداخت. در قسمت بعد به منظور شناخت هرچه بیشتر با ویژگیها و پیشرفتهای اقتصاد اسرائیل قبل از وقوع درگیریها به تحلیل این اقتصاد در سال ۲۰۰۰ خواهیم پرداخت. سپس به آثار زیانبار و ناگوار انتفاضة بر مهمترین بخشهای مولد و تأثیرگذار در اقتصاد اسرائیل مانند ساختمان و زراعت، جهانگردی و صنعت خواهیم پرداخت، همچنین تأثیر بحران در بخشهای یادشده را بر مشکلات اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و مسائلی چون کسری بودجه، تورم و بیکاری بررسی خواهیم کرد.

سیر تحولات اقتصاد اسرائیل از تأسیس تا انتفاضة

در مطالعه و بررسی اقتصاد اسرائیل می‌توان به پنج دوره متمایز اشاره کرد که از سالهای ۱۹۴۸ با تأسیس این رژیم آغاز می‌شود و تا سال ۲۰۰۰ ادامه می‌یابد. مطالعه

هریک از مراحل بیانگر این است که وضعیت زمانی، منطقه‌ای و بین‌المللی، اقتصاد اسرائیل را دچار افت و خیزهای فراوانی کرده است. درباره اقتصاد اسرائیل ذکر این نکته ضروری است که شکل‌گیری بنیادها و ساختارهای اساسی اقتصاد این رژیم به اوایل قرن بیستم یعنی دوران قیمومیت انگلیس بر فلسطین باز می‌گردد. در این سالها جنبش صهیونیست به کمک سه عامل ذیل توانست بر مشکلات اقتصادی غلبه پیدا کند: اتکا بر قدرتهای بزرگ، کمکهای خارجی، احزاب کارگری که یهودیان داخل فلسطین را به شکل مطلوبی سازماندهی می‌کردند.^(۱) به کمک این سه عامل بود که برنامه صهیونیسم در اراضی فلسطین با موفقیت اجرا شد. در اینجا به منظور آگاهی از روند تحولات اقتصاد اسرائیل در دهه‌های پس از تأسیس تا آستانه وقوع انتفاضه مسجدالاقصی در سپتامبر ۲۰۰۰، کارکرد اقتصاد این رژیم را در پنج مرحله مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- دوره تأسیس و صرفه‌جویی اقتصادی (۱۹۴۸-۱۹۵۴)

در دوره نخست در نخستین سالهای تأسیس اسرائیل، دولت این رژیم توجه خود را به سه نکته اساسی معطوف کرده بود: تأسیس یک ارتش قوی و نیرومندی که قادر به پیسج سریع و توانمند در استفاده از سلاحهای کلاسیک و مدرن برای دفاع از امنیت این رژیم باشد. نکته مهم دیگر، جذب مهاجران یهودی از سایر کشورها بود. از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۴ تعداد یهودیانی که از کشورهای آفریقایی، آسیایی و اروپایی به اسرائیل مهاجرت کردند به ۷۱۵

هزار نفر مي‌رسيد. (۲) نکته قابل توجه ديگر ايجاد نهاد و مؤسسات حكومتي چون بانك مركزي، بيمه و ساير نهادهاي مدني بود كه در سالهاي نخست پس از تأسيس اقدامي ضروري بود. روشن است كه تحقق هريك از اين نكات، مستلزم تحميل هزينه‌هاي سنگيني بر دوش اقتصاد اسرئيل بود.

اما در زمينه توسعه اقتصادي، دولت اسرئيل برخلاف آنچه در كشورهاي در حال توسعه معمول است، اولويت نخست را به كشاورزي داد. در سالهاي ۱۹۵۳-۱۹۵۲ سهم بخش كشاورزي از بودجه توسعه در اين رژيم، ۵۶٪ بود در حالي كه سهم بخش صنعت به ۱۱٪ مي‌رسيد. (۳) با توجه به سياستهاي خاص اسرئيل در دوره نخست كه با هدف توسعه اقتصادي اين رژيم صورت گرفت، طبيعي بود كه حجم خواسته‌هاي عمومي در بازار افزايش يابد و در نتيجه با فشار روي قيمتها، تورم نيز افزايش يابد.

۲- دوره رشد سريع ۱۹۷۲-۱۹۵۴

با توجه به مهاجرت گسترده يهوديان از نقاط مختلف جهان به اسرئيل در دوره نخست و به تبع آن ورود سرمايه و تخصص به اين كشور، زمينه براي رشد سريع اقتصاد اسرئيل فراهم شد. در اينجا بايد به عوامل ديگري چون پرداخت غرامت از سوي آلمان به اسرئيل، افزايش نيروي كار، تكنولوژي پيشرفته توليد، كمكهاي خارجي، كمكهاي داوطلبانه يهوديان اروپا و امريكا به اين رژيم و فروش اوراق قرضه اشاره كرد كه در توسعه ساختارهاي اقتصادي اسرئيل سهم بسزايي داشتند. بدین

ترتیب با توجه به عوامل فوق میانگین رشد تولید ناخالص ملی اسرائیل از ۲٪ در سالهای ۵۳-۱۹۵۲، به ۱۷٪ در نخستین سال این دوره رسید.^(۴) این میانگین تا آخر این دوره به سطح بسیار بالایی رسید.

رشد سریع اقتصادی در این دوره موجب شد تا دولت اسرائیل بتواند به جمعیت رو به رشد خود خدمات اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی بسیار مطلوبی ارائه کند. این امر خود یکی از عوامل مؤثر در تحقق هدف استراتژیک این رژیم یعنی جذب یهودیان از سراسر جهان و انتقال آنها به اسرائیل بود.

۳- دوره تورم و رکود ۱۹۸۵-۱۹۷۳

دوره سوم، که مشخصه اصلی آن تورم و رکود در سیستم اقتصادی اسرائیل است، از سال ۱۹۷۳ شروع می‌شود. وقوع جنگ اکتبر ۱۹۷۳ و به تبع آن هزینه‌هایی که جنگ بر این رژیم تحمیل کرد و از سوی دیگر افزایش قیمت نفت بدلیل تحریم نفتی اعراب، موجب شد تا از میانگین رشد اقتصادی اسرائیل بشدت کاسته شود. در طول سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۵ این میانگین بطور متوسط از ۳٪ فراتر نرفت بلکه در برخی از سالها به صفر نیز رسید.^(۵)

در این دوره با توجه به وضعیت خاص اقتصادی اسرائیل، حزب لیکود با توجه به شعارهایی که در زمینه حل مشکلات اقتصادی می‌داد، برای اولین بار در تاریخ اسرائیل به قدرت رسید. به رغم اینکه شعارهای لیکود بر مسائلی چون کاهش هزینه‌های دولت، کاهش دخالت دولت در امور اقتصادی خلاصه شده بود، عملاً به حل مشکل کمکی نکرد، بلکه با تجاوز

نظامي به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲ مشکلات اقتصادي را نیز شديدتر کرد. برخي از صاحبان اقتصادي اين رژیم بر اين باورند که اگر در اين دوره کمکهاي اضطراري امريکا به اسرائيل نرسیده بود، اقتصاد اين رژیم فرو می‌پاشید. (۶)

بدون تردید جنگ ۱۹۷۳ و هزینه‌هاي مترتب بر آن و افزایش قیمت نفت، همه در افزایش تورم و رکود اقتصادي در اسرائيل مؤثر بوده است، اما در اینجا باید به عوامل مهمتر و اساسي‌تري اشاره کرد که به ساختارهاي اقتصادي اين رژیم برمي‌گردد. چون در دهه‌هاي پنجاه و شصت میلادي با افزایش مهاجرت يهوديان به اسرائيل و افزایش کمکهاي خارجي و به تبع آن افزایش نيروي کار و سرمايه، زمينه براي رشد سريع اقتصادي اسرائيل فراهم شد. چون با افزایش نيروي کار و سرمايه فراوان، اين رژیم موفق شد با بهره‌گيري از تکنولوژي پیشرفته بخشهاي کشاورزي و بعد صنعت را متحول سازد.

از سال ۱۹۶۶ به بعد آهنگ مهاجرت يهوديان به اسرائيل کند شده، بر اساس برخي گزارشهاي مستند در خلال سالهاي ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹، تمامی يهوديانی که از کشورهای آفريقايي، آسیايي و اروپايي شرقي به اسرائيل مهاجرت کردند به ۸۱۳۳۷ نفر می‌رسد. (۷) کمکهاي خارجي نیز از حد معيني افزایش نیافت. تلاشهاي دولت اسرائيل براي جذب سرمايه‌گذاري خارجي با شکست روبه رو شد.

علاوه بر عامل یاد شده، باید به مشکل این رژیم در بخش کشاورزی و صنعت اشاره کرد. در بخش کشاورزی، اسرائیل در دوره نخست از تمامی اراضی قابل کشت استفاده کرد. حال اراضی دیگر که مناسب برای کشت باشد وجود نداشت. از سوی دیگر کمبود منابع آبی نیز سقف مشخصی را برای رشد زراعی معین می‌کرد. در نتیجه در دهه‌های شصت و هفتاد، منابع آبی و اراضی بیشتر برای رشد در این عرصه و به تبع آن رشد اقتصادی این رژیم فراهم نبود.

در عرصه صنعت، اسرائیل در دهه‌های نخست رشد قابل توجهی را حاصل کرد، چون دولت اسرائیل با حمایت از این بخش، موفق شد تا نیازهای داخلی خود در این بخش را تأمین کند و از واردات کالاهای خارجی بی‌نیاز شود؛ اما پس از اشباع بازار داخلی حالا نیاز به صادرات این کالاها به بازارهای خارجی داشت در حالی که کالاهای اسرائیلی از رقابت با کالاهای مشابه خارجی ناتوان بود در نتیجه بخش صنعت قادر به افزایش رشد اقتصادی این رژیم نبود.

پس آنچه در دوره سوم موجب رکود و بحران اقتصادی در داخل اسرائیل شد، تا حدود زیادی به ساختارها و اوضاع خاص داخل اسرائیل بازمی‌گشت. هرچند جنگ ۱۹۷۳ و هزینه‌های زیاد آن و همچنین افزایش بهای نفت بر این بحران تأثیر داشت، عامل اساسی همان ضعف ساختاری در اقتصاد اسرائیل بود که به رکود و تورم در این رژیم منجر شد.

۴- دوره اصلاحات اقتصادی ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰

پس از دستیابی حزب لیکود به قدرت در سال ۱۹۷۳ انتظار می‌رفت تا با توجه به شعارهای

اقتصادي اين حزب، بحران اقتصادي در اين رژيم فروکش کند، اما اين حزب از ارائه يك راه حل مناسب که قادر به حل بحران باشد ناتوان بود. بنابراین بحران مزبور ادامه يافت. اين بحران مي رفت تا به فاجعه اي بزرگ براي اسرائيل تبديل شود، اما رهبران رژيم صهيونيستي با اتخاذ تدابيري تصميم گرفتند تا از فروپاشي اقتصاد اسرائيل جلوگیری کنند. پس از برگزاري انتخابات ژوئيه ١٩٨٤ هريك از احزاب كارگر و ليكود با آراي ضعيفي وارد پارلمان شدند. در نتيجه در اين وضع بحراني به منظور حل مشكلات اقتصادي تصميم گرفتند تا يك دولت وحدت ملي تشكيل دهند. دولت وحدت ملي ابتدا تصميم گرفت تا از طريق اقداماتي چون کاهش هزينه هاي دولت، کاهش ارزش پول اسرائيل و جلوگیری از افزايش حقوق كارگران بر بحران فائق آيد، اما سياست مزبور نتيجه مطلوبي به دست نداد. بنابراین دولت وحدت ملي تصميم گرفت تا يك برنامه كامل اصلاحات اقتصادي را تدوين کند. هدف نخست اين برنامه، متوقف ساختن مشكل تورم بود. اين امر از طريق کاهش ١/٥ ميليارد دلاري بودجه دولت و توقف رابطه ميان دستمزدها و سطح معيشت و کاهش ارزش شيكل به ميزان ٢٠٪ محقق گرديد. اين برنامه در تحقق هدف خود يعني توقف تورم موفق بود؛ چون ميانگين افزايش قيمتها از ١٩٥٪ در سالهاي ١٩٨١-١٩٨٥ به ١٨٪ در سالهاي ١٩٨٦ - ١٩٩٠ کاهش پيدا كرد.^(٨) البته اين تنها برنامه اصلاحات اقتصادي نبود که به بحران اقتصادي اسرائيل پايان داد، بلکه کمکهاي

اضطراري امريکا به اسرائيل و کاهش بهاي نفت در اواخر دهه ۱۹۸۰ ميلادي که هزينه هاي انرژی را در اسرائيل کاهش داد از عوامل مهم در توقف بحران اقتصادي اين رژيم محسوب می شد. به رغم اینکه اقتصاد اسرائيل از سال ۱۹۸۵ به بعد شاهد رشد قابل توجهی بود، سیاست پولي که دولت اتخاذ کرد و به کاهش سرمایه گذاریها منجر شد و انتفاضة ملت فلسطین در دسامبر ۱۹۸۷ از عواملی بود که بار دیگر اقتصاد اسرائيل را دچار رکود ساخت.

۵- استمرار اصلاحات اقتصادي در پرتو روند صلح، ۱۹۹۱ به بعد

اصلاحات اقتصادي که از سال ۱۹۸۵ توسط دولت وحدت ملي آغاز شد تا حدود زیادی به بهبود اوضاع اقتصادي اين رژيم منجر شد و از ادامه بحران جلوگیری کرد. هرچند وقوع انتفاضة اول (۱۹۸۷) بار دیگر اقتصاد اين رژيم را با بحران مواجه کرد، با شروع روند مذاکرات صلح مادريد در سال ۱۹۹۱، بار دیگر زمینه برای بهبود و رشد اقتصادي اين رژيم فراهم شد.

برگزاری کنفرانس صلح مادريد در سال ۱۹۹۱ که چارچوب مشخصی را برای مذاکرات اعراب و اسرائيل مشخص کرد، زمینه را برای عادي سازی روابط میان اسرائيل و کشورهای عربي فراهم ساخت. با برگزاری این کنفرانس و شروع مذاکرات میان طرفهای عربي و فلسطین با اسرائيل، انتفاضة اول نیز متوقف شد. (۹)

در پی انتفاضة اول بود که رهبران رژيم

صهیونیستی با هدف نجات از این بحران و مهار پیامدهای اقتصادی آن حاضر به مذاکره با فلسطینیها شدند و پس از دو سال مذاکره قرارداد اسلو را در سال ۱۹۹۳ به امضا رساندند. سپس برخی از کشورهای عربی چون اردن، قطر و امارات به برقراری روابط سیاسی و یا اقتصادی با اسرائیل مبادرت کردند.

آنچه در دهه ۱۹۹۰ در منطقه به وقوع پیوست، فرصتی طلایی برای اسرائیل به وجود آورد تا اقتصاد خود را در پرتو تحولات جهانی جدید بویژه مسئله جهانی شدن، متحول سازد. در خصوص اقتصاد اسرائیل در دهه های هفتاد و هشتاد میلادی باید گفت سه مانع اساسی در برابر ادغام اقتصاد اسرائیل در اقتصاد جهانی وجود داشت؛^(۱۰) ۱- تحریم اسرائیل از سوی کشورهای عربی ۲- نبود روابط دیپلماتیک میان اسرائیل و بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی ۳- جو بی اعتمادی و عدم ثبات در منطقه به دلیل منازعه اعراب و اسرائیل؛ عوامل مزبور موجب شده بود تا اقتصاد منطقه بویژه اقتصاد اسرائیل را به صورت مکانی غیرمناسب برای سرمایه گذاری خارجی قرار دهد. اما مذاکرات صلح خاورمیانه در دهه ۹۰ میلادی موجب شد تا اسرائیل از این موانع رهایی یابد و با بسیاری از کشورهای روابط دیپلماتیک و اقتصادی برقرار سازد. بدین ترتیب روند صلح در پیشرفت اقتصاد اسرائیل نقش مؤثری ایفا کرد، زیرا مذاکرات صلح در حالی آغاز شد که دولت وحدت ملی اسرائیل به منظور حل مشکلات اقتصادی اسرائیل، برنامه

اصلاح اقتصادی را آغاز کرده بود. حال انتخاب گزینه صلح به جای قیام، می‌توانست برنامه اصلاحات اقتصادی این رژیم را با سرعت بیشتری به پیش ببرد.

در دهه ۱۹۹۰ میلادی این صرفاً مذاکرات صلح نبود که به بهبود اقتصاد اسرائیل کمک کرد، بلکه فروپاشی شوروی سابق که به مهاجرت گسترده یهودیان این کشور به اسرائیل منجر شد از عوامل دیگری بود که زمینه را بطور غیرمستقیم برای بهبود اوضاع اقتصادی فراهم ساخت. در خصوص مهاجرت این یهودیان لازم به توضیح است که در حالی که میانگین مهاجرت یهودیان در دهه هشتاد از ۱۳۰۰۰ نفر در سال تجاوز نمی‌کرد، در سال ۱۹۹۱ یهودیانی که از شوروی سابق به اسرائیل مهاجرت کردند، به ۲۰۰ هزار نفر رسید. (۱۱)

این امر موجب شد تا نیروی انسانی گسترده و سرمایه‌های فراوانی به اسرائیل سرازیر شود. علاوه بر این اسرائیل به منظور اقامت دادن به این مهاجران جدید از یک وام ده میلیارد دلاری با سود بسیار کم برخوردار شد. بدین ترتیب این عوامل دست به دست هم داد تا اسرائیل از بحران اقتصادی دهه گذشته رهایی یابد و در آستانه انتفاضة مسجدالاقصي از رشد اقتصادی خوبی بهره‌مند شود.

اقتصاد اسرائیل در آستانه وقوع انتفاضة مسجدالاقصي (۲۰۰۰ میلادی)

شروع اصلاحات اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، شروع روند مذاکرات صلح خاورمیانه در اوایل دهه ۹۰ میلادی و فروپاشی شوروی سابق در ابتدای این دهه، همه از عواملی بود

که تحول سریعی را در اقتصاد اسرائیل به وجود آورد به گونه ای که در آستانه وقوع انتفاضة در سال ۲۰۰۰ این رژیم از رشد قابل توجهی در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار شد.

از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی در دوران نخستوزیری ایهود باراک، اقتصاد اسرائیل رشد قابل توجهی را محقق ساخت. در واقع سال ۲۰۰۰ میلادی اوج شکوفایی اقتصاد این رژیم بود. چون اسرائیل به کمک تحول سریعی که در صنایع تکنولوژی پیشرفته به وجود آورده بود، موفق شده بود تا میانگین رشد اقتصادی این رژیم را به ۹٪ برساند.

ارزش سرمایه گذاریهای خارجی نیز در این دوره افزایش یافته است. با توجه به امنیت و ثباتی که به دلیل صلح بر اسرائیل حاکم بود، سرمایه گذاریهای خارجی در ربع اول سال ۲۰۰۰ میلادی به ارزش ۷/۳ میلیارد دلار رسید و تا پایان سال میلادی به ۱۱/۴ میلیارد دلار رسید. طبق برخی از پیشبینیها اگر روند صلح اعراب و اسرائیل ادامه مییافت، سرمایه گذاری خارجی در این رژیم تا سال ۲۰۰۸ میلادی به ۶ میلیارد دلار می رسید. (۱۲)

از سوی دیگر صادرات تجهیزات و برنامه های الکترونیکی اسرائیل به سایر کشورها نیز تا ۵۰٪ افزایش یافت و به ۱۵ میلیارد دلار رسید. تولید ناخالص ملی این رژیم نیز از ۶۷/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ به حدود ۷۶/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ و به ۱۰۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسیده است. براساس برخی از ارزیابیها چنانچه مذاکرات

صلح میان اسرائیل و فلسطینی‌ها ادامه می‌یافت و انتفاضه مسجدالاقصی روی نمی‌داد، ارزش تولید ناخالص ملی اسرائیل تا سال ۲۰۰۸ به ۱۳۳ میلیارد دلار می‌رسید. همچنین میزان تورم از ۸/۶٪ در سال ۱۹۹۸ به ۱/۳٪ در سال ۱۹۹۹ رسید و در سال ۲۰۰۰ این میزان به صفر رسید. (۱۳)

رشد تولید ناخالص ملی اسرائیل در خلال دهه ۱۹۹۰ و بهبود وضع اقتصادی در این رژیم، موجب رشد و توسعه در سایر بخشها چون بهداشت و آموزش نیز در این رژیم شده است. بنا به گزارش برنامه توسعه انسانی سازمان ملل متحد در خلال سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی سن قابل انتظار برای هر فرد یهودی در اسرائیل ۷۹ سال بوده است. این امر به دلیل افزایش حجم خدمات بهداشتی به شهروندان یهودی در اسرائیل بوده است که در نتیجه رشد اقتصادی این رژیم میسر شده است.

یکی دیگر از شاخصهایی که میزان رشد و توسعه اقتصادی اسرائیل را در سال قبل از انتفاضه نشان می‌دهد، رشد بخش آموزش است. این بخش رشدی معادل ۹۵٪ داشته است. بدون تردید توسعه کیفی انسانی در اسرائیل در نتیجه افزایش تولید ناخالص ملی و بهبود کارکرد اقتصادی این رژیم بوده است. نکته قابل توجه اینکه ۷۸٪ از کل ارزش تولید ناخالص ملی اسرائیل به بخشهایی چون خدمات، آموزش، جهانگردی و تجارت اختصاص یافته است. بخش عمده بودجه ۵۷ میلیارد دلاری اسرائیل عمدتاً به منظور رشد کیفی، آموزش و هدایت سایر خدمات آموزشی هزینه شده است در حالی که سهم

هر فرد عرب از آموزش ۳۴۰ دلار در سال است، سهم هر فرد اسرائیلی از آموزش ۲۵۰۰ دلار در سال است. (۱۴)

بدین ترتیب تمامی این شاخصهای بیانگر رشد قابل توجه عملکرد اقتصادی اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۰، است. بدون تردید ورود مهاجران شوروی سابق، روند مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، اصلاحات اقتصادی دولت وحدت ملی و کمکهای اقتصادی گسترده ایالات متحده امریکا، همه از عواملی بوده است که به دوران تورم و رکود اقتصادی اسرائیل پایان داده و اقتصاد این رژیم را وارد مرحله نوینی ساخته است. بنابر ارزیابی کارشناسان اقتصادی اسرائیل، انتظار می‌رفت تا در یکی دو دهه آینده این رژیم به صورت نیرومندترین کشور خاورمیانه از لحاظ اقتصادی درآید.

انتفاضة مسجدالاقصي (سپتامبر ۲۰۰۰) و کارکرد اقتصادی اسرائیل

در قسمت پیشین مقاله، وضع اقتصادی اسرائیل در ماه‌های پیش از وقوع انتفاضة با استناد به آمار و ارقام معتبر مورد بررسی قرار گرفت. همه شواهد و شاخصها مؤید رشد قابل توجه اقتصاد اسرائیل در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی بود. بلکه عقیده برخی از کارشناسان اقتصادی، اقتصاد اسرائیل از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۰ میلادی دوران ماه عسل خود را می‌گذراند. اما با وقوع انتفاضة مسجدالاقصي در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی طوفان سهمناکی اقتصاد این رژیم را فرا گرفت، به

گونه‌ای که مسئولان این رژیم هرگز احتمال چنین بحرانی را برای اقتصاد اسرائیل پیش‌بینی نمی‌کردند.

نظر به اینکه دو منطقه نوار غزه و کرانه غربی در بهبود کارکرد اقتصاد اسرائیل نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند، هر نوع خشونت و درگیری در این منطقه می‌تواند بر رشد اقتصادی این رژیم تأثیر منفی داشته باشد، چون اسرائیل بر ۹۰٪ از کل حجم تجارت خارجی کرانه غربی و نوار غزه در دو بعد صادرات و واردات تسلط دارد از سوی دیگر بر ۸۵٪ از مجموع آبهای زیرزمینی در این منطقه (۷۵۰ متر معکب) تسلط دارد. (۱۰)

امنیت و ثبات در داخل اسرائیل همواره از عوامل مهمی بوده است که در جذب مهاجران یهود از سراسر دنیا و جذب سرمایه‌های آنها مؤثر بوده است. با شروع انتفاضه مسجدالاقصی نگرانی و اضطراب بی‌سابقه‌ای سراسر اراضی اشغالی را فرا گرفت، زیرا انتفاضه به امنیت و آرامشی که در پرتو روند صلح اعراب و اسرائیل از اوایل دهه ۱۹۹۰ در اسرائیل محقق شده بود، پایان داد به طوری که استراتژی دفاعی اسرائیل را به طرز بی‌سابقه‌ای به چالش کشاند. تا پیش از انتفاضه، اسرائیل همواره بر دکترین جنگ‌های سریع، که جنگ را باید به سرعت به سرزمین دشمن انتقال داد، اتکا داشت؛ اما انتفاضه این معادله را بر هم زد و اسرائیل را به ورود به یک جنگ طولانی در سرزمین خودش مجبور ساخت.

انتفاضه مسجدالاقصی از همان ابتدا، آثار مخربی را بر اقتصاد اسرائیل تحمیل کرد، در

حالي که در ابتدای سال ۲۰۰۰، اقتصاد اسرائیل بالاترین میانگین رشد را در دهه گذشته محقق کرده بود در اواخر سال ۲۰۰۰ پس از انتفاضه، این میانگین از ۹٪ به ۱/۶٪ کاهش پیدا کرد. بنا به برخی از گزارشها اسرائیل روزانه ۳۰ میلیون دلار در نتیجه انتفاضه، خسارت می‌بیند.^(۱۶) تنها در دو سال اول نخست قیام فلسطینی‌ها، این رژیم در حدود ۵ میلیارد دلار خسارت دیده است. اعتصاب کارگران عرب، بستن راه‌ها و نرسیدن فلسطینی‌ها به محل کار خود و تخریب بانکها از عوامل مهم در افزایش خسارت به اقتصاد این رژیم بوده است.

حادثه ۱۱ سپتامبر و اقتصاد اسرائیل

یک سال پس از وقوع انتفاضة مسجد الاقصي، حوادث ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی به وقوع پیوست. حادثه مزبور بر اقتصاد امریکا به عنوان بزرگترین قدرت اقتصادی کم‌دهنده به اسرائیل تأثیر منفی داشت. در نتیجه اقتصاد جهانی نیز دستخوش بحران شد. در وضعیت جدید، اسرائیل هیچ اقدامی در جهت تجدیدنظر در اقتصاد بحران زده خود نکرد، بلکه تلاش کرد تا از وضع جدید بین‌المللی و ائتلاف ضد تروریسم به رهبری امریکا به نفع خود بهره‌برداری کند. بدین منظور اسرائیل مقاومت مشروع فلسطینی‌ها بر ضد اشغالگری را، یک نمونه روشن تروریسم معرفی کرد. در نتیجه به افکار عمومی جهان اعلام کرد او نیز چون امریکا قربانی تروریسم است. بنابراین استفاده از زور بر ضد فلسطینی‌ها و کشتار

روزانه آنها، بخشی از جنگ بین‌المللی بر ضد تروریسم است.

با استمرار اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل بر ضد ملت فلسطین بویژه پس از دستیابی آریل شارون به قدرت، بحران اقتصادی این رژیم تشدید شد. چون بسیاری اقتصاد این رژیم را در آستانه یک فاجعه توصیف می‌کنند. براساس برخی از برآوردها اگر انتفاضه در همین لحظه متوقف شود، دولت اسرائیل به ده سال زمان دارد نیاز تا بتواند ثبات اقتصادی پیش از انتفاضه را بازگرداند. این امر موجب شد تا در داخل دولت وحدت ملی در سال ۲۰۰۲ میلادی بر سر چگونگی رویارویی با مشکلات اقتصادی این رژیم اختلاف نظر پدید آید.

آریل شارون در ۱۸/۳/۲۰۰۲ در دیدار با رؤسای بخش بازرگانی اسرائیل تأکید کرد: «وضع اقتصادی اسرائیل چندان ساده نیست، به یکباره نمی‌توان تمامی مشکلات اقتصادی را حل کرد». (۱۷) در همین حال شیمون پرز وزیر خارجه وقت دولت وحدت ملی می‌گوید: «طرح یک افق سیاسی روشن است که تضمین کننده سرمایه‌گذاری‌های مجدد در اسرائیل، بازگشت جهانگردان و توقف انتقال سرمایه‌ها به خارج خواهد بود. شاخصهای اقتصادی اخیر در اسرائیل که بسیار نگران کننده است، نتیجه مستقیم وضعیت سیاسی و امنیتی حاکم در کشور است». (۱۸)

در اینجا به منظور روشن شدن آثار و پیامدهای منفی انتفاضه بر اقتصاد اسرائیل لازم است تا تأثیر این قیام را بر بخش‌هایی چون ساختمان، زراعت، جهانگردی و صنعت، که

در رشد میانگین تولید ناخالص ملی و بهبود اوضاع اقتصادی این رژیم مؤثرند، مورد بررسی قرار دهیم. آثار مخرب انتفاضة برهريك از این بخشها، به كسري بودجه، افزایش بيكاري و کاهش درآمد سرانه هر فرد در اسرئيل نیز منجر شده است.

۱- بخش ساختمان و زراعت

جنبش صهيونيست از صد سال پيش يعنى زماني كه ايدة تأسيس وطن يهود در كنگرة بال سوئيس تولد يافت، همواره يكي از اهداف خود را، نجات يهوديان از تبعيد و آوارگي و انتقال آنها به سرزمين موعود (فلسطين) قرار داده است. جنبش صهيونيست بر اين باور بود كه با رها كردن اراضي فلسطين از دست اعراب و با انجام دادن زراعت بر آن توسط يهوديان و فعاليت در زمينه هاي مولد از جمله ساختمان، براي هميشه بر آن اراضي سيطره خواهند يافت. اما با گذشت صدسال از زمان برگزاري كنگرة بال و بيش از نيم قرن از تأسيس اسرئيل، يهوديان همچنان در سطح جهان پراكنده اند و در بخشهاي مولدي چون ساختمان و زراعت اين فلسطينيها هستند كه به كارهاي سخت و طاقت فرسا، مشغول هستند.

نكته قابل توجه اينكه بخش عمده نيروي كار در بخش ساختمان در اسرئيل از كرانة غربي و نوارغزه تأمين مي شود. ۷۰٪ از نيروي كار در اين بخش را كارگران فلسطيني تشكيل مي دهند. عواملی چون کم بودن دستمزدها و سختي كار در بخش ساختمان موجب شده است تا كارگران يهودي از فعاليت در اين بخش خودداري كنند. در نتيجه بخش عمده نيروي كار در اين بخش از طريق فلسطينيها تأمين شود.

از ۱۲۴ هزار کارگر فلسطینی که تا پیش از وقوع انتفاضه داخل اسرائیل کار می‌کردند، پس از انتفاضه مسجدالاقصی به دلیل محاصره مناطق حکومت خودگردان فلسطین و جلوگیری از ورود کارگران فلسطینی به اسرائیل و اعتصاب این کارگران، این تعداد به چهارهزار نفر رسید. این امر در کاهش ساخت و ساز در بخش ساختمان نقش مؤثری داشت. براساس برخی از بررسیها بخش ساختمان و املاک در اسرائیل پس از وقوع انتفاضه با یک کاهش ده درصدی روبه رو بوده است؛ خسارتی بالغ بر ۶۰۰ میلیون دلار به اقتصاد این رژیم وارد شده است؛ خرید و فروش ساختمان تا ۱۶٪ کاهش یافته است. (۱۹)

هرچند اسرائیل تلاش کرده است تا کمبود کارگر در این بخش را با جایگزین کردن کارگران اروپایی شرقی و آسیایی جبران کند به دلیل عدم التزام اخلاقی و مذهبی این کارگران به صهیونیسم و نبودن مانع برای ازدواج این کارگران با زنان اسرائیلی، مشکلات اجتماعی زیادی برای این رژیم بوجود آورده است.

۱۲٪ از نیروی کار در بخش زراعت در اسرائیل نیز توسط فلسطینیها تأمین شده است. انتفاضه و جلوگیری از ورود این کارگران به دلایل امنیتی موجب شده است تا در این بخش ۲۰۰ میلیون دلار به این رژیم خسارت وارد شود. (۲۰)

از سوی دیگر سیاستهای خشن اسرائیل بر ضد فلسطینیها موجب شده است تا بسیاری از کشورها بویژه اروپاییها از ورود محصولات کشاورزی این رژیم به کشور خود جلوگیری کنند. این امر موجب شده است تا موازنه تجاری این رژیم با کسری مواجه شود. بنا به برخی از

گزارشها کسري موازنه تجاري اسرائیل در سال ۲۰۰۱ به ۶/۲ میلیارد دلار رسیده است. (۲۱)

۲- بخش جهانگردی

یکی از منابع مؤثر و مهم در افزایش میانگین رشد اقتصادی اسرائیل صنعت جهانگردی بوده است. اراضی اشغالی فلسطین به دلیل قدمت تاریخی و وجود آثار باستانی مربوط به ادیان اسلام، یهود و مسیحیت، سالانه پذیرای میلیونها جهانگرد بوده است. بدون تردید امنیت و ثبات یکی از عوامل اساسی جذب جهانگرد در هر کشور است. طبیعی است که جهانگردان خارجی معمولاً کشورهایی را برای سفر برمیگزینند که از امنیت مطلوبی برخوردار باشند.

اسرائیل به دلیل ثبات و امنیتی که در این رژیم حاکم شده بود سالانه پذیرای ۳/۵ میلیون نفر جهانگرد از سراسر جهان بود به گونه ای که درآمد حاصل از این صنعت، ۱۷٪ از تولید ناخالص ملی این رژیم را تشکیل میداد. در سال ۱۹۹۹، مسؤلان جهانگردی اسرائیل پیشبینی میکردند که سال ۲۰۰۰، سه میلیون جهانگرد از این کشور دیدار خواهند کرد و این کمک مؤثری به اقتصاد اسرائیل خواهد بود.

با وقوع انتفاضة مسجدالاقصي در سپتامبر ۲۰۰۰، برخلاف انتظار تنها يك ميليون نفر جهانگرد به این کشور سفر کردند. این تعداد هم غالباً به عنوان دیدار با اقوام خود به اسرائیل آمدند و به عنوان جهانگرد محسوب نمیشدند. بدین ترتیب این برای اولین بار بود که صنعت جهانگردی به دلیل وقوع درگیریها و نبود امنیت با کسري بودجه مواجه میشد.

مبالغی که در این بخش هزینه شده است بالغ بر ۶۰۰ میلیون دلار می‌شود. این در حالی است که چون گذشته جهانگردان خارجی به اسرائیل سفر نمی‌کنند، در نتیجه درآمد اسرائیل از صنعت جهانگردی از ۷ میلیارد دلار در دهه ۱۹۹۰ میلادی به ۵۰۰ میلیون دلار پس از انتفاضه کاهش یافته است. (۲۲) به دلیل رکود در این بخش از ۳۶ هزار کارگر شاغل در هتلها ۱۵ هزار نفر بیکار شده‌اند و ۲۵ شرکت جهانگردی بسته شده است. به دلیل این وضعیت شرکت هواپیمایی ال عال اسرائیل، ۱۶۰ میلیون دلار خسارت دیده است؛ حتی به دلیل بحرانی شدن اوضاع در این رژیم، بسیاری از شرکتهای هواپیمایی جهان چون ایرفرانس پروازهای خود به این کشور را لغو کردند. شواهد بسیاری نشان می‌دهد که صنعت جهانگردی در اسرائیل با خطر فروپاشی روبه‌رو شده و این امر موجب نگرانی جدی در محافل جهانگردی اسرائیل شده است.

۳- بخش صنعت

بخش صنعت به عنوان یکی از صنایع مؤثر در رشد تولید ناخالص ملی اسرائیل به دلیل انتفاضه مسجدا لاقصی به شکل فزاینده‌ای متضرر شده است. البته این نکته روشن است که موفقیت چشمگیر اسرائیل در این بخش به دلیل اتکای این رژیم بر صنعت تکنولوژیهای پیشرفته مانند کامپیوتر، تجهیزات ارتباطی جدید و صنایع نظامی است. صنایع تکنولوژی پیشرفته بخش پیشتاز در اقتصاد اسرائیل به شمار می‌رود. براساس آماري که از سوی بانک مرکزی اسرائیل منتشر شده، در فاصله زمانی

از اکتبر ۲۰۰۰ تا ژوئیه ۲۰۰۱ تنها در سال نخست انتفاضة به دلیل تشدید اوضاع امنیتی، میانگین رشد در بخش صنایع تکنولوژیک از ۱۲٪ به ۴٪ کاهش یافته و بسیاری از کارخانجات تکنولوژیک به دلیل این وضعیت بسته شده است. سرمایه‌گذاریهای خارجی در این بخش از ۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ به کمتر از یک میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ رسیده است. (۲۳)

همچنین بسیاری از شرکتهای خارجی از اسرائیل خارج شده‌اند.

سایر بخشهای صنعتی نیز همین وضعیت را دارند. رئیس اتحادیه صاحبان صنایع اسرائیل می‌گوید: «پس از وقوع انتفاضة تا سال ۲۰۰۲ میلادی ۲۰۰ کارخانه در منطقه صنعتی «عطروت» در آستانه ورشکستگی قرار داشته‌اند. وی علت این امر را نرسیدن ۴۰۰ کارگر فلسطینی به محل کار خود می‌داند. چون براساس برخی آمارها، ۴۰٪ از نیروی کار صنعتی اسرائیل از مناطق فلسطینی تأمین می‌شود. براساس برخی از پیش‌بینی‌ها در صورت استمرار انتفاضة، ۵۸ هزار شرکت کوچک در اسرائیل تعطیل خواهد شد. (۲۴) رئیس بخش اقتصادی اتحادیه صنایع اسرائیل می‌گوید: «به دلیل انتفاضة، تولید ۴۱٪ از کارخانجات صنعتی کاهش یافته است؛ فعالیت کاری ۳۵٪ از این کارخانجات نیز کاهش یافته است؛ ۱۰۰۰ کارخانه کوچک و متوسط بسته شده است؛ ۳۰۰ کارخانه دیگر نیز تا سپتامبر ۲۰۰۱ بسته شده است». (۲۵)

انتفاضة مسجد الاقصي و كسري بودجه ، بيكاري و كاهش درآمد سرانه در اسرائيل

در قسمت پيشين اين مقاله، تأثير انتفاضة بر سه بخش مولد و كليدي در اقتصاد اسرئيل مورد بررسي قرار گرفت. خساراتي كه اسرئيل در هريك از بخشهاي ساختمان، زراعت، جهانگري و صنعت به دليل انتفاضة مسجد الاقصي متحمل شده بود، بطور چشمگيري بر كاهش ميانگين رشد اقتصادي در اين رژيم تأثير گذاشته است. بحران در هريك از اين بخشها به مشكلات ديگري چون كسري بودجه، افزايش بيكاري و كاهش درآمد سرانه در اين كشور منجر شده است. طبيعي است كه اين مشكلات مي‌تواند پيامدهاي مخرب اجتماعي و فرهنگي نيز براي اين رژيم در پي داشته باشد.

بيكاري از كارشناسان اقتصادي اسرئيل بر اين مهم تأكيد دارند كه از سال ۱۹۴۸ تا كنون سال ۲۰۰۲ بدترين سالها براي كار كرد اقتصاد اسرئيل بوده است. كاهش مهاجرت يهوديان جهان به اسرئيل و روند مهاجرت معكوس، خروج سرمايه از اسرئيل به خارج، توقف سرمايه‌گذاري خارجي در اسرئيل، افزايش هزينه‌هاي نظامي و امنيتي به دليل تشديد انتفاضة همه از عوامل مؤثر در ركود اقتصادي براي اين رژيم بلوده است. از سوي ديگر اين وضع به كاهش درآمدهاي دولت از ماليات منجر شده است.

وضع فوق باعث شد تا دولت اسرئيل در سال ۲۰۰۲ ميلادي ۴/۱ ميليارد دلار از بودجه عمومي را كاهش دهد. از سوي ديگر به دليل آثار

انتفاضة بر وضع اقتصادي شهروندان يهودي در اسرئيل دولت اين رژيم ناگزير شد تا بخش عمده‌اي از بودجه سال ۲۰۰۲ را به رفاه اجتماعي و بهبود وضع مردم اختصاص دهد. اين سياست موجب شد تا كسري بودجه اسرئيل از ۳٪ در سال ۲۰۰۱ به ۶/۵٪ در سال ۲۰۰۲ برسد. (۲۶) نکته قابل توجه اينكه در حالي كه كسري بودجه اسرئيل در سال ۲۰۰۰ تا پيش از انتفاضة ۱/۸ ميليارد دلار بوده است در سال ۲۰۰۱ به ۳/۸ ميليارد دلار رسيده و با استمرار انتفاضة و افزايش هزينه‌هاي نظامي و امنيتي اسرئيل اين كسري در سال ۲۰۰۲ به هفت ميليارد دلار رسيده است. (۲۷)

كسري بودجه و افزايش هزينه‌هاي امنيتي در اسرئيل بر افزايش بيكاري در اين رژيم نيز تأثير داشته است. ميانگين بيكاري در اسرئيل تا پيش از انتفاضة مسجد الاقصي ۸٪ بوده است، در سال ۲۰۰۱ به ۹/۴٪ و در سال ۲۰۰۲ به ۱۰/۴٪ افزايش يافته است. (۲۸) در صورت استمرار انتفاضة ممكن است اين ميانگين به ۲۸٪ نيز برسد. اين ميزان از بيكاري با توجه به جمعيت كم اين رژيم درصد بسيار زيادي است. اين امر بيانگر عمق بحران اقتصادي در اين رژيم است، چون افزايش ميانگين بيكاري مي‌تواند همه سطوح زندگي اجتماعي و معيشتي فرد و جامعه را تحت تأثير قرار دهد.

افزايش بيكاري و از سوي ديگر کاهش دستمزدها به دليل كسري بودجه بر درآمد سرانه هر فرد اسرئيلي نيز تأثير زيادي داشته است. همچنين افزايش تورم و کاهش ارزش پول اسرئيل (شيكل) در برابر دلار موجب شده

است تا مردم برای تأمین نیازهای روزمره خود با مشکلات فراوانی روبه رو شوند. مشکلات مزبور حتی به بروز نارضایتی در میان کارگران اسرائیلی منجر شده است. این کارگران در اعتراض به کاهش دستمزدهای خود و تقاضا برای افزایش حقوق خود متناسب با سطح میانگین تورم، دست به اعتصاب نیز زده اند. براساس برخی از آمارها در حالی که درآمد سرانه هر فرد اسرائیلی تا پیش از انتفاضه ۱۸ هزار دلار در سال بوده است، این رقم پس از وقوع انتفاضه مسجدا لاقصی به ۱۵ هزار دلار کاهش یافته است. براساس بیانییه دفتر مرکزی اسرائیل متوسط درآمد سرانه هر فرد اسرائیلی از ۲۰ هزار دلار قبل از انتفاضه به ۲/۱۷ هزار دلار پس از انتفاضه کاهش یافته است. (۲۹)

نتیجه گیری

انتفاضه مسجدا لاقصی در نیم قرن گذشته، برای نخستین بار اقتصاد اسرائیل را با بحرانی جدی که می‌تواند به فروپاشی این رژیم منجر شود، روبه رو ساخته است. انتفاضه در چهار سال گذشته ثابت کرد که اسطوره اقتصاد این رژیم بیشتر شبیه همان افسانه‌ای است که در مورد ارتش این کشور وجود داشت؛ یعنی اینکه ارتش این رژیم شکست ناپذیر است. انتفاضه در چند سال اخیر این واقعیت را آشکار ساخت که اقتصاد اسرائیل با بحران و رکود بی‌سابقه‌ای روبه روست. سیر تحول و شکل‌گیری اقتصاد اسرائیل در چند دهه گذشته، بیانگر این است که اقتصاد

این رژیم تا حدود زیادی به کمکها و حمایتهاي گسترده اي متکي است که از سوي غرب بويژه امريکا به سوي اين رژیم سرازير مي‌شود. بنا بر اين هرگاه اين رژیم با مشکل و بحراني مواجه شده، بلافاصله کمکهاي گسترده غرب در عرصه نظامي و اقتصادي به سوي اين رژیم سرازير شده و بحران به سرعت مهار شده است. بحران کنوني اقتصادي در اسرئيل از اين امر مستثني نيست.

نگاهي به شاخصهاي رشد اقتصاد اسرئيل در سال ۲۰۰۰ ميلادي و پس از وقوع انتفاضة مسجدالاقصي، مؤيد اين واقعيت است که قيام مزبور به طرز بي‌سابقه اي اقتصاد اين رژیم را تحت تأثير قرار داده است. در حالي که اسرئيل تا پيش از وقوع انتفاضة در همه عرصه‌ها، زراعت، صنعت، جهانگري، سرمايه‌گذاري خارجي، صادرات محصولات الکترونيکي و غيره از رشد بسيار خوبي برخوردار بود، پس از شروع درگيريها بطور بي‌سابقه اي با رشد منفي مواجه مي‌شود، به گونه اي که در برخي سالها ميانگين رشد اقتصادي اين رژیم به صفر مي‌رسد.

بحران در بخشهايي چون زراعت، ساختمان، جهانگري و صنعت، آثار بسيار مخربي بر ساير بخشها داشته است؛ چون رکود اقتصادي، بخشهاي آموزشي و بهداشتي در اين رژیم را نيز تحت تأثير قرار داده است، امري که مشکلات اجتماعي بسياري را براي جامعه اسرئيل پديد آورده است. کاهش درآمد سرانجام اسرئيلي‌ها، افزايش بيکاري، کسري بودجه و افزايش تورم همه از پیامدهاي بحراني است که با وقوع انتفاضة در دهه اقتصاد اسرئيل پديد آمده است.

خطر مهمتری که با استمرار انتفاضه مسجدالاقصی اسرائیل را تهدید می‌کند اینک به بحران اقتصادی کنونی می‌رود تا به بحرانی ملی تبدیل شود، نمودهای این بحران را می‌توان در مواردی چون کاهش قدرت خرید، کاهش سطح رفاه اجتماعی، افزایش شکاف میان طبقات ثروتمند و فقیر جامعه، کمبود شدید بودجه و افزایش رو به رشد مشکلات طبقات فقیر جامعه، ملاحظه کرد. از سوی دیگر انتفاضه مسجدالاقصی نشان داد آن طور که رهبران این رژیم تصور می‌کردند که اسرائیل قادر است بدون ورود به بحران اقتصادی به جنگ در مدت طولانی ادامه دهد، این چنین نیست، بلکه بحرانی که امروزه در اثر انتفاضه اقتصاد اسرائیل را فرا گرفته، تمامی رهبران این رژیم را نگران ساخته است. بسیاری از این رهبران به این نتیجه رسیده‌اند که اسرائیل در آستانه فروپاشی اقتصادی قرار دارد. آنها صراحتاً تأیید کرده‌اند که پایداری و مقاومت مستمر فلسطینی‌ها دستیابی به هرگونه راه حلی برای غلبه بر مشکل اقتصادی را از بین برده است. ممکن است این منازعه صد سال دیگر نیز به طول انجامد. در نهایت پیروزی از آن ملتی است که بر مقاومت و پایداری تواناتر است. (۳۰)

البته به دلیل کم‌های نامحدودی که از سوی امریکا به رژیم صهیونیستی می‌شود، فروپاشی اقتصاد این رژیم در آینده‌ای نزدیک بعید بنظر می‌رسد، اما استمرار این وضع می‌تواند به بحرانی جدی که تارضایتی ملی را به طرز بی‌سابقه‌ای به دنبال خواهد داشت منجر شود. البته به این نکته باید اشاره کرد بسیاری

از شواهد نشان مي دهد که رشد اقتصادي امريکا پس از ۱۱ سپتامبر در حال ضعيف شدن است. طبيعي است هر نوع بحران احتمالي در اقتصاد امريکا مي تواند بر اسرئيل تأثير جدي برجاي نهد. بدین ترتيب استمرار انتفاضة و مقاومت در میان فلسطينيها و برخي از متغيرهاي احتمالي بين المللي در اقتصاد جهاني مي تواند به فروپاشي اقتصاد اين رژيم و در نهايت نابودي اين رژيم منجر شود.

يادداشتها

- ۱- النقيب، فضل؛ الاقتصاد اسرئيلي في اطار المشروع الصهيوني، (بيروت: مؤسسه الدراسات الفلستينيه، ۱۹۹۵) ص ۳۶.
- ۲- جاد، عماد، اسرئيل من الداخل، آلان... و منذ نصف قرن، (دمشق: مركز الدراسات الغدالعربي، ۲۰۰۳) ص ۲۶.
- ۳- النقيب، همان منبع، ص ۴۲.
- ۴- جريس، صبري و ظيفه، احمد، دليل اسرئيل العام، (بيروت: مؤسسه الدراسات الفلستينيه، ۱۹۹۶) ص ۱۹۲.
- ۵- همان منبع، ص ۱۹۳.
- ۶- المسيري، عبدالوهاب، من الانتفاضة الي حرب التحرير الفلستينه، (اثر الانتفاضة علي اكلين الصهيوني)، (دمشق: دارالفكر، ۲۰۰۲) ص ۲۶.
- ۷- جاد، همان منبع، ص ۲۷.
- ۸- النقيب، همان منبع، ص ۵۱.
- 9- Breyman, Ahron; Israel,s wars, (new youk: routledye, 2003) P, 203.
- ۱۰- النقيب، فضل مصطفى؛ اقتصاد اسرئيل علي مشارف القرن الحادي و العشرون، (بيروت: مؤسسه الدراسات الفلستينيه، ۲۰۰۱)، ص ۹۰.
- ۱۱- جاد، همان منبع، ص ۲۸.
- ۱۲- محمود السهلي، نبيل، الاقتصاد الاسرئيلي في اطار الاستراتيجيه العامه، ۱۶ / ژوئيه ۲۰۰۲، WWW. Amin. Org.
- ۱۳- همان منبع.
- ۱۴- كيالي، ماجد؛ پيشرفتهاي داخلي اسرئيل و چالشهاي فراروي اعراب، مترجم: اسماعيل اقبال، تهران: مؤسسه علمي - تحقيقاتي نداء، ۲۶/۱۰/۲۰۰۲.
- ۱۵- محمود السهلي، همان منبع.
- ۱۶- نشریه لبناني الانتقاد، سايت: WWW. Alintiqad. Com.
- ۱۷- روزنامه اسرئيلي يديعوت آدرنوت، WWW. Arbynet. Com, 2002/3/19.
- ۱۸- روزنامه اسرئيلي يديعوت آدرنوت، 2002/8/18. همان سايت.
- ۱۹- المسيري، همان منبع، صص ۱۵۱-۱۵۰.

- ٢٠- الحاج طاهر، احمد، التداعي الاقتصادي الاسرائيلي بين (٢٠٠٠-٢٠٠٢) نموذجاً، (دمشق: همایش الانتفاضه، المقاومه، التحرير، ٢٠٠٢) ص ٩١.
- ٢١- المسيري، همان منبع، ص ١٥٢.
- ٢٢- نشریه لبناني الانتقاد، سايت WWW. Alimeiqad. Com.
- ٢٣- المسيري، همان منبع، ص ١٥٢.
- ٢٤- محمود السهلي، همان منبع.
- ٢٥- الحاج طاهر، همان منبع، ص ٩٨.
- ٢٦- روزنامه اسرئيلي معاريو، 2003/3/21. سايت WWW. Maarif. Com.
- ٢٧- تشرين الاسبوعي، 2002/9/30. WWW. Teshreen. Com.
- ٢٨- محمود السهلي، همان منبع.
- ٣٠- روزنامه اسرئيلي هآرتص 2001/4/27. WWW/ jaarectz/ com.

